

قرار گذرگاه، گذاردن پا به این وادی
نیست.

گفتیم شاید خیال ها آرام بگیرد،
و کمتر با اعصاب ها بازی شود.
این هم نظری است.
با ئی میل دریافت شده است.

نوک کوه یخ

..... محسن علمداری

می دانم که از اوضاع هفت رنگ موجود در خاور میانه دارید سر گیجه می گیرید، و نمی دانید
چرا این همه کارهای عجیب و غریب انجام می شود. و این همه حرف های جورواجوری که نباید،
مطرح می شود. و این همه خط و نشون های پشت سرهم از طرف قلدرهای متعدد که روزانه در
بوق دمیده می شود. و نشانه این است که اصولن نبایستی سنگ روی سنگ بند باشد، در حالی
که می بینیم، آب هم از آب تکان نمی خورد.

سمینار پشت سمینار، مسافرت پشت مسافرت، کنفرانس و مصاحبه پشت سرهم، و شاخ و شانه
کشیدن های فراوان، و کشت و کشتارهای روزانه « متاسفانه »...ولی هیچ.
و کماکان در بر همان پاشنه ای که هست می چرخد. بدون ذره ای تفاوت. هیچکس هم برای
هیچکس تره خرد نمی کند. نه تهدید کاری از پیش می برد و نه تحبیب.
دنبال سرنخ و تفسیرهای مختلف هم نروید. و بقول دوستان افغانی « وقت خود را ضایع نکنید »
ماکت وضع آتی، در اتاق مخصوص!! « گاد فادر » های جهانی نصب است، و فقط آنها می دانند، که
در دیگ بر آتش چه آشی دارد پخته می شود.

آنچه می شنویم جنگی است زرگری، و در افق دید ما فقط نوک کوه یخ است که دیده می شود.
کل برنامه بدنه این کوه است، که زیر آب است و از دید ما پنهان می باشد.
سرو صدائی که می شنویم، چه در شرق، و از هرکس و هر مقام و چه در غرب، از هرکس و هر
مقام صدای عمله و اکره هائی است که در خاک ریز، دارند کار میکنند، و بیل صدتا یک قاز
می زنند.

نگاه کنید به وقایع بنیانی، که از سال ۱۹۷۹ در منطقه رخ داده است « و بی شبهه از مدتها قبل
زمینه چینی شده بود، به نحوی که ما حتا همان نوکی را که حالا از کوه یخ می بینیم، نمی
دیدیم »...از هم پا شیدگی رژیم ها، رشد بهت انگیز اقتصاد چین که خطری مسلم است برای
اقتصاد غرب. و بیرون آمدن گول مذهب از بطری کنترول، و پراکندگی دود آسای آن. و همه
موارد دیگری را که می دانید، بایستی کافی باشد. که با برداشت ها، و تفسیرها، و جنگ وجدل
های بحث های سیاسی، خود آزاری نکنید. سرنخ همه عروسک ها، دست لوطی چرخان ها است.
بهتر است فقط تماشاگر این خیمه شب بازی باشیم و بیش از این « وقت خود را ضایع نکنیم »
